

## تله چینی یا تله توسیدید



احمدغلامی

در شانزدهمین سال «تاریخ جنگ‌های پلویونزی» بین آتن و اسپارت، آنتینان برای گسترش امپراتوری و توان نظامی خود، شهر «ملوس»، یکی از متحدان اسپارت را به محاصره خود درمی‌آوردند و نمایندگانی می‌فرستند تا آنان بدون قید و شرط تسلیم شوند، تا هم جان خود و هم شهرشان را نجات دهند. نمایندگان ملوس در مذاکره با آنتیان این‌گونه تسلیم‌شدن را دون شان خود می‌دانند و می‌کوشند آنتیان سرمست از غرور قدرت را به پرهیز از جنگ مجاب کنند، اما آنتیان نیک می‌داند که در جنگ، زور حق است و کسانی به عدالت تعیین می‌بخشند که قوی‌تر باشند. مواجعه نمایندگان آتن با ملوس بیانگر شکاف واقعی بین اخلاق، عدالت و قدرت است؛ جایی که اخلاق و عدالت کارایی ندارند؛ درست همان وضعیتی که اینک در جهان شاهد آن هستیم. مذاکره نمایندگان آتن و ملوس، تصویر دقیقی از شرایط نابرابر کنونی جهان به دست می‌دهد. شرایطی که باید با خرد و مقاومت با آن روبه‌رو شد. توسیدید در تاریخ جنگ‌های پلویونزی این شرایط را این‌گونه روایت می‌کند: «نمایندگان ملوس: آیا همه شهرهایی که هنوز عضو هیچ اتحادیه‌ای نیستند، اگر رفتار شما را با ما ببینند، به خود نخواهند گفت که ممکن است روزی هم به آنها حمله کنید و از هم‌اکنون دشمن شما نخواهند شد؟ آنتیان: ما از شهرهای قاره نگرانی‌ای نداریم. آنها آزاد و مستقل‌اند و زمانی دراز طول خواهد کشید تا به فکر دفاع از خود بیفتند. نگرانی ما از ساکنان جزیره‌هاست، مانند شما که هنوز تابع ما نشده‌اند... . نمایندگان ملوس: پس اگر ما که هنوز آزادیم استقبال از هر خطری را بر ندگی ترجیح ندهیم، به بردلی و فرومایگی متهم نخواهیم شد؟ آنتیان: مسئله‌ای که برای شما مطرح است، این است که آیا باید در رهایی خود بکوشید یا با دشمنی درآویزید که بسیار نیرومندتر از شماست.» مباحثه تاریخی بین آنتیان و نمایندگان ملوس، بیانگر نقش زور در روابط بین‌الملل است.

<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>

### بازتاب

باسخ «ساترا» به یادداشت «شرق» ضرورت صیانت از مرزهای «بی‌طرفی قضائی» و «مبانی مالکیت فکری»

به‌تازگی اظهارنظرهایی از سوی یکی از قضات دیوان عدالت اداری درباره پرونده‌ای که هنوز در جریان دادرسی قرار دارد و موضوع آن جبران ضرر و زیان ناشی از اقدامات پلنفرم آپارات است، در رسانه‌ها منتشر شده که از دو منظر «اصول دادرسی» و «حقوق مالکیت فکری» واجد اشکالات بنیادین است.

۱- نخستین نکته‌ای که در این موضع‌گیری رسانه‌ای جلب توجه می‌کند، «اظهارنظر غیرمتعارف» یک مقام قضائی در پرونده‌ای است که در صلاحیت ذاتی او نبوده و وی هیچ نقشی در فرایند دادرسی آن نداشته است. اصل بنیادین «بی‌طرفی قضائی» و «استقلال محاکم» ایجاب می‌کند که قضات از اظهارنظر در مورد پرونده‌های جاری سبایر شعبه، به‌ویژه در فضای عمومی، به‌شدت پرهیز کنند. چنین اقدامی اعتبار رای دادگاه را در اذهان عمومی تضعیف می‌کند. مطابق با ششون قضائی، اگر نقدی به رای‌ی وارد است، مسیرهای قانونی آن در قالب «تجدیدنظرخواهی» یا «نقض‌های علمی در مجلات حقوقی» تعریف شده است؛ نه بیانه‌های رسانه‌ای.

۲- در تحلیل‌های حقوقی منتشرشده، ادعا شده است که دادگاه میان «میزبان» (Host) و «ناشر» (Publisher) خلط کرده است. اما این تحلیل، با واقعیت تحولات حقوق مالکیت فکری در عصر دیجیتال بیگانه است. «کترین «بنلر-امن» (Safe Harbor) نه یک «چتر مصونیت مطلق»، بلکه یک ساختار مشروط است. در حقوق پیشرفته، پلنفرمی که با علم به نقض حقوق مؤلف، در جهت کسب منفعت مالی مستقیم، تداوم انتشار محتوای ناقص را تسهیل می‌کند، از جایگاه یک واسطه فنی صرف خارج شده و به شریک در نقض تبدیل می‌شود. تقلیل نقش پلنفرم به «زیرساخت فنی»، نادیده‌گرفتن حقیقت تجاری این سامانه‌هاست که اساسا مدل کسب‌وکارشان بر پایه همین محتواها بنا شده است.

۳- در مورد خساراتی که از اقدامات پلنفرم مذکور وارد شده شایان ذکر است که اولاً موضوع این پرونده جبران ضرر و زیان ناشی از جرم است، ثانیاً «کاهش ارزش اقتصادی اثر» و «از بین رفتن فرصت‌های بازاریابی»، مفاهیم انتزاعی نیستند، بلکه ارکان اصلی خسارت در دبای دیجیتال‌اند.

<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>

<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

«شرق» در ۲۳ می ۲۰۲۶

# روزنامه

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** اقتصاد بقاء؛ وقتی متخصصان هم به مشاغل بی‌مهارت پناه می‌برند • اشک و شادی در آیین جمعی موسیقی • پزشکیان: به تسلیم واداشتن ایران از طریق زور، توهمی بیش نیست

**«شرق» از آثار تورمی جنگ خلیج فارس بر تورم ایالات متحده به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان گزارش می‌دهد**

# ۳ سناریوی اقتصاد آمریکا و جنگ

گزارش تیتربیک رادر صفحه ۳ بخوانید



این گزارش رادر صفحه ۲ بخوانید.عکس:ایرنا

**روایت «شرق» از تشدید میانجیگری پاکستانی هاو دیپلماسی مبهم**

**تهران و واشینگتن**

# پیچ آخریا آغازراه؟

### یادداشت

## تحلیلی بر اثرات شوک هرمز و مکانیسم تشدید ناامنی غذایی در جهان

جهانی به‌شدت افزایش یافت. این شرایط به‌ویژه برای کشاورزان خرده‌مالک و کشورهای کم‌درآمد که وابسته به واردات نهاده‌های کشاورزی هستند، بسیار نگران‌کننده بود.

**نقش کودهای شیمیایی در تشدید بحران غذایی**

یکی از مهم‌ترین ابعاد تحلیلی فائو در این بحران، توجه به نقش کودهای شیمیایی است. برخلاف بسیاری از بحران‌های پیشین که مستقیم‌عرضه مواد غذایی و زنجیره توزیع را هدف قرار می‌دادند، بحران هرمز ابتدا عرضه نهاده‌های تولید و زنجیره تأمین را مختل کرد. نکته بسیار مهم در این بین، نبود عنصر ذخیره‌سازی کود شیمیایی در جهان و کشورهای مصرف‌کننده جهان است که تأثیر آن را بر بازار بیش از پیش‌بینی‌ها افزایش داد. کاهش دسترسی به کود به معنای کاهش توان تولید کشاورزی در ماه‌های بعد بود. کارشناسان فائو هشدار دادند که کاهش مصرف کود در کشورهای فقیر می‌تواند موجب کاهش عملکرد محصولات، کاهش تولید غلات و در نهایت افزایش بیشتر قیمت غذا شود. از این منظر، بحران هرمز نه‌فقط یک شوک کوتاه‌مدت، بلکه تهدیدی برای تولید آینده غذا در جهان و فقر بیشتر کشاورزان خرد در جنوب جهانی است. این تحلیل نشان می‌دهد که ناامنی غذایی تنها ناشی از کمبود فیزیکی غذا نیست، بلکه افزایش هزینه تولید و کاهش قدرت خرید نیز نقش‌تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری بحران دارد. در واقع، بسیاری از خانوارها حتی در شرایطی که غذا در بازار موجود است، ممکن است توان مالی و قدرت خرید آن را از دست بدهند.

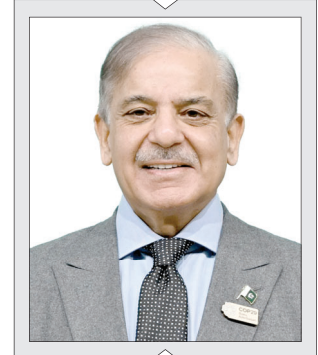
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>

### یادداشت

## چرا قدرت ایران باور نمی‌شد؟

به‌سرعت، به خطایم پی می‌برد. اما آیا این خطا به معنی آن است که در موضوعات دیگر نیز نظرات من با خطا همراه است؟ قطعاً خیر، ولی همان‌طور که در بالا اشاره کردم، ذهن به شکلی خواسته یا ناخواسته، به سابقه رجوع می‌کند و چنانچه من در موضوعی مهم، اشتباه تحلیل کرده باشم، شونده سخنانم، تحلیل‌های دیگر من را نیز قضاوتی پیشینی به داور می‌شنیند. یکی از مهم‌ترین دلایلی که همیشه نظامیان را پرهیز می‌دهند که در حوزه سیاست دخالت نکنند، از همین منظر است. حوزه سیاست، سرشار از غلو و ریاست و خواهی‌خواهی، هرکس که وارد این حوزه می‌شود، با داورِ پر از تردید روبه‌رو خواهد شد و شک و شبهه نسبت به سخنان او، امری طبیعی خواهد بود و این برای فرد یک نظامی که لازم است تا وجودش اطمینان‌بخش باشد، آفتی خطرناک است. سومین مورد برمی‌گردد به خواسته شونده. واقعیت آن است که شنوندگان یک ادعا، غیر از آن شک و تردیدی که در بالا اشاره شد و در ذهنشان ساخته شده، امیال و آرزوهایی نیز دارند و به سخنی می‌شود به جهان، خارج از پنجره آرزوها نگاه کرد. در ابتدای یادداشت، به ضرب‌المثل «بزد دور است، کز هم دور است» اشاره کردم. حقیقت داستان این است که ادعای کشور ما در حوزه توانایی دفاعی اش، چندین بار محک خورده بود و قدرت بازدارندگی‌مان، در دهه‌های گذشته، بارها و بارها راستی‌آزمایی شده بود، ولی به دلیل همان تماشای از پنجره آرزوها، آنچه دیده می‌شد، باور نمی‌شد. شاید مهم‌ترین بخش دکتربن دفاعی کشورمان در همه سال‌ها، پس از انقلاب، ساختار چندلایه جبهه مقاومت باشد. در مورد این ساختار، فارغ از اینکه با آن موافق باشیم یا نه، در ۲۰ سال گذشته بارها یادداشت‌های متعددی در مطبوعات منتشر کرده‌ام. یکی از این یادداشت‌ها که به‌صورت مجموعه و در چندین شماره منتشر شد، عنوان مشترک «روح امپراتوری» داشت. در این مجموعه یادداشت، از این‌گفته بودم که دکتربن دفاعی کشورمان برگرفته از ساختار «ساتراپی» است و دقیقاً در همان مناطقی که ساتراپ‌نشینان امپراتوری ایران شکل گرفته بود، امروز هم ساتراپی‌های مدرن تأسیس شده است. آن مجموعه یادداشت بر آن بود تا دکتربن دفاعی ایران را توضیح دهد، ولی با حمله منتقدان جمهوری روبه‌رو شد که «تو» قصد تأیید حاکمیت» این یادداشت را نوشتی، درحالی‌که یک تحلیلگر نه قصد تأیید و نه نفی موضوع را ندارد، بلکه فقط می‌خواهد بگوید چه چیزی را می‌بینیم و آنچه می‌بینیم، چیست.

<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>
<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>	<div><div><span><span>۳</span></span></div></div>



**شهباز شریف**

**در راه چین**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**

**گزارش**